

قیمت کالاهای اساسی در ماه رمضان اعلام شد

صفحه ۲

مشروعیت بخشی به پرداخت رشوه؛ پیشنهاد عجیب نظریه‌بازی‌ها علیه فساد

علی اسدی خمام

هرچند اقدامات سختگیرانه برای مبارزه با فساد ممکن است به کاهش فساد در اقتصاد منجر شود، به نظر می‌رسد استفاده از نظریه‌بازی‌ها برای مقابله با فساد، اقدامی موثرتر و کم هزینه‌تر باشد. «سومایا کانتی» در یادداشتی برای «اکنونیک تایمز» نوشت: درباره آثار منفی فساد بر اقتصاد بسیار گفته و نوشته شده است و در این مورد که سوء عملکرد نهادهای دولتی بر سرمایه‌گذاری‌ها، کارآفرینی و خلاقیت تأثیر می‌گذارد. در این زمینه دولت هند یک رویکرد تحمل صفر را در مورد فساد در پیش گرفته است.

ماتریس ریسک رشوه‌خواری TRACE در سال ۲۰۲۰ هند را در زمینه میزان ریسک رشوه‌خواری کسب‌وکارها از میان ۱۹۴ کشور در رتبه ۷۷ قرار داده است. در طول این سال‌ها، جایگاه هند در این فهرست بهبود قابل توجهی داشته است. در سال ۲۰۱۴، هند در این فهرست با نمره کلی ۸۰ از میان ۱۹۷ کشور رتبه ۱۸۵ را کسب کرده بود. اکنون این رتبه با ۱۰۸ پله بهبود در ۷۷ رسیده است. جلوگیری از فساد مصوب سال ۱۹۸۸، مفاد جدیدی را جرم‌انگاری کرد و همزمان بازدارندگی موثری را برای ارتکاب این جرایم از سوی اشخاص حقیقی در کنار اشخاص حقوقی در نظر گرفت. در نتیجه این اقدامات، شکایات بیرون‌سازمانی که به کمیته مرکزی نظارت هند رسیده است، از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹، ۴۸ درصد کاهش یافته است که نشان می‌دهد افکار عمومی باور بیشتری به یک حاکمیت «پاک» پیدا کرده‌اند.

تعداد پرونده‌هایی که پس از بازرسی‌های کمیسیون نظارت با اقدام مواجه شده‌اند، نیز کاهش داشته است که نشان می‌دهد استفاده از فناوری و به‌کارگیری ابتکار عمل‌هایی نظیر مناقصه الکترونیک، به شفاف‌تر شدن حاکمیت کمک کرده است. اما آیا کاهش در فساد تأثیری بر رشد اقتصادی نیز داشته است؟ به نقل از یک گزارش که سازمان ملل در رابطه توسعه اقتصادی در سال ۲۰۱۳ درباره فساد و رشد اقتصادی منتشر کرده، در حالی که پیدا کردن رابطه مستقیم بین فساد و رشد اقتصادی سخت است، فساد آثار منفی قابل‌توجهی بر میزان کانال‌های کلیدی انتقال سرمایه، مانند سرمایه‌گذاری (شامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی)، رقابت، کارآفرینی، بهره‌وری حکمرانی و تشکیل سرمایه انسانی دارد.

معاون نظارت سازمان نظام پزشکی: تورم حوزه سلامت ۱.۵ برابر نرخ تورم در کشور است

به گفته معاون نظارت و برنامه‌ریزی سازمان نظام پزشکی ایران، تورم در حوزه سلامت ۱.۵ برابر است.

به گزارش مهر، محمد جهانگیری در خصوص تعرفه‌های پزشکی سال ۱۴۰۰ اظهار کرد: ما همواره سعی کرده‌ایم تناسبی بین تعرفه بخش دولتی و خصوصی ایجاد کنیم و باری را از دوش مردم برداریم. او افزود: پیشنهاد سازمان نظام پزشکی بر اساس تورم رشد ۳۲ درصدی تعرفه بود ولی در نهایت با توجه به شرایط اقتصادی کشور ۲۸.۵ درصد تعیین شد.

معاون نظارت و برنامه‌ریزی سازمان نظام پزشکی

درخشش شرکت خدمات ارتباطی رایتل در آخرین رتبه‌بندی شرکت‌های برتر ایران

در بیست و سومین سال رتبه‌بندی شرکت‌های ایرانی(IMI-۱۰۰)، شرکت خدمات ارتباطی رایتل از نظر شاخص «رشد فروش»، گروه ارتباطات و مخابرات و در بین شرکت‌های رقیب و قدرتمند این عرصه رتبه اول را کسب کرد. رتبه‌بندی (IMI-۱۰۰) مانند رتبه‌بندی‌های مهم و معتبر جهانی همچون «FORTUNE-۵۰۰»برتری شرکت‌ها را از جنبه‌هایی همچون فروش، سودآوری یا بازده فروش نشان می‌دهد. در این ارزیابی، شرکت رایتل در بین پانصد شرکت برتر ایران از نظر شاخص«دارایی» رتبه دهم و شاخص «ارزش افزوده» رتبه دوازدهم را از آن خود کرد. همچنین این اپراتور موفق شد رتبه سی و سوم را در شاخص «اشتغال» از میان پانصد شرکت برتر ایران، کسب کند.

در این رتبه‌بندی، شرکت‌های برتر بر اساس شاخص‌هایی همچون «بیشترین فروش»، «بیشترین سودآوری»، «بالاترین ارزش بازار»، «بالاترین ارزش افزوده»، «بیشترین دارایی»، «بالاترین اشتغال‌زایی» و «بالاترین بهره‌وری کل عوامل» معرفی و تقدیر شدند و رایتل در گروه «ارتباطات و مخابرات» از نظر شاخص «رشد فروش» موفق به کسب رتبه نخست شد.

این رتبه‌بندی که سالانه ۵۰۰ شرکت بزرگ

عصر اقتصاد

هوالرزاق

www.asre-eghtesad.com

روزنامه بین المللی اقتصادی صبح ایران

چهارشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۰ . ۷ آوریل ۲۰۲۱

۲۴ شعبان ۱۴۴۲ . سال هجدهم . شماره ۴۶۴۲

۸ صفحه . ۷۰۰۰ تومان

سایه انتخابات

بر تصمیم‌های سخت اقتصاد ۱۴۰۰

فضای رانتی، قاچاق کالا و ۱۱ ابر بهدکار بانکی توجه فرمایید تا به میزان سختی این تصمیم

برای مدیران سیاسی پی ببرید. به عبارت دیگر، تامین مخارج از محل درآمد برون‌زای نفتی و مالیات تورمی (خلق پول) و خارج از کنار فرصت‌های رانتی و فساد، به نوعی به منزله تزریق دائمی سروتوتین و آدرنالین به پیکره نحیف اقتصاد دولتی برای ترشح اندورفین و سرمستی مدیران بوده و بعید است این دوپینگ مزمن، به راحتی قابل درمان باشد که این تصمیم سخت دیگر ولی مورد نیاز برای اصلاح اقتصاد ایران است.

اما تورم دورقمی و بیکاری تشدیدشده ناشی از حکمرانی کووید ۱۹، خود موجب افزایش نابرابری اقتصادی و ضریب جینی شده است که موجب تضعیف بیشتر سرمایه اجتماعی خواهد شد مگر اینکه تصمیم‌گیران اقتصادی بالاخره بپذیرند برای بهبود اوضاع باید دست از قیمت‌گذاری دستوری بردارند، زمینه را برای حرکت واقعی بازار فراهم و با رفع واقعی موانع کسب‌وکار به‌ویژه عوارض ناشی از نظام تامین اجتماعی فعلی، برای حمایت واقعی از گروه‌های آسیب‌پذیر از روش‌های هوشمند پرداخت‌های انتقالی به مصرف‌کننده استفاده کنند. مثلا به جای تشکیل قراگاه سازماندهی بازار مرغ، موانع تولید را حذف و با پذیرش عملکرد بازار به مصرف‌کننده نهایی نیازمند، یارانه هوشمند بپردازند.

موضوع بسیار اساسی دیگر در سال جدید تصمیم جدی برای مهار جریان خروج سرمایه از کشور است. در حالی که دیگر کشورها برای جذب هر یک دلار به کشورشان برنامه‌ریزی می‌کنند، طبق نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی، ۱۳۹۹ منفی بوده که یکی از نشانه‌های جدی خروج سرمایه از کشور است. کافی است به گزارش روزافزون تبلیغات برای خرید ملک در کشورهای همسایه توجه کنید.

از این رو، ایجاد ثبات نسبی اقتصاد کلان، سیگنال‌دهی مناسب به تولید، مدیریت بهینه بخش ارزی و از همه مهم‌تر، رفع جدی تنش‌های تجاری کشور چه از طریق احیای روابط با اقتصاد جهان و چه از طریق پیمان‌های تجاری دو یا چندجانبه با شرکا قدرتمند اقتصادی، از جمله اقدامات مورد نیاز اساسی در سال ۱۴۰۰ است.

البته همه آنچه از اوضاع پیش روی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰ ترسیم شد به معنای حرکت در سراسیمگی قطعی زوال و نابودی اقتصاد ایران نیست. این اوضاع در کنار همه سختی‌ها دارای

تأثیراتی مثبت نیز بوده است: اقتصاد ایران در حال پذیرش تأثیر نفزین منابع و اثر مخرب درآمد برون‌زای نفتی و در حال یافتن راه چاره برای بهبود تولید است. تحریم‌ها اگرچه لغو نشده اما به بیان غیر حرفه‌ای، لق شده است و نیز با پایداری اقتصاد ایران، از یک‌سو، بن‌مایه تولید در حال استحکام و باور است و از سوی دیگر در حال اصلاح رفتار شبکه بانکی را بهفهمیم.

می‌رود مدیران بعدی جسارت رویارویی با چنین چالشی را داشته باشند. یکی از تصمیمات سخت پیش روی اقتصاد ایران اصلاح نظام بانکی است. کافی است به اینکه حدود ۸۰ درصد تامین مالی در اقتصاد ایران در اختیار شبکه بانکی است، توجه کنیم تا دلیل تردید و ارزش دستان مدیران حتی کارآمد سیاسی برای اصلاح رفتار شبکه بانکی را بفهمیم. تصمیم سخت دیگر، اصلاح نظام مالیاتی است. کافی است به ارقام بیان‌شده مبنی بر فرار مالیاتی ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی،

کاهش تورم خود را نشان دهد. طبق آخرین گزارش مرکز آمار در پایان آذر ۱۳۹۹ نسبت

به دوره مشابه سال قبل، یک میلیون نفر شغل خود را از دست داده‌اند. طبق گزارش مرکز آمار ایران در آذر ۱۳۹۹ نرخ تورم ۱۲ ماهه و نقطه‌ای در این ماه به ترتیب ۳۰/۵ و ۴۴/۸ درصد بوده است. گزارش گمرک ایران در پایان آذر ۱۳۹۹ نیز حاکی از کاهش ۱۸/۲ درصدی

حجم تجارت خارجی و کسری ۱/۷۵ میلیارد دلاری تران تجاری غیرنفتی است. بدون تشکیک در مثبت شدن رشد اقتصادی کشور باید پرسید چرا رشد اقتصادی مثبت‌شده کشور فاقد کیفیت لازم است؟ آیا این روند بیانگر تغییری در رشد اقتصادی و بهبود تولید و اشتغال کلان در سال ۱۴۰۰ خواهد بود؟ آیا نشانه‌ها یا سیگنالی مبنی بر ثبات اقتصاد کلان برای تولیدکنندگان در سال پیش رو وجود دارد؟ ممکن است با توجه به تغییرات سیاسی پیش رو، احتمال ثبات اقتصادی رود که باید گفت در عمل، دولت فعلی تا چهار ماه دیگر مستقر است و دولت بعدی، هرکس و با هر دیدگاهی باشد، تا گرفتن رای اعتماد و تشکیل کابینه و انتصاب مدیران اصلی و میانی حداقل شش ماه از سال گذشته و البته احتمالا با بودجه دارای کسری عملیاتی و نیز اتمام دوره وقفه تأثیر متغیرهای پولی رویه‌رو است؛ یعنی از یکسو دارای کسری بودجه است و از سوی دیگر بدلیل وقفه تأثیر متغیرهای پولی، سیاست‌های بهمن ماه ۹۹ تا تیر۰۱۴۰۰ تأثیر خود را در سری‌های زمانی و نرخ‌های تورم و بیکاری نشان خواهند داد. مقابله با تورم، نیازمند مبارزه جدی با رشد نقدینگی بیش از حد است که باید دو مساله اساسی مدنظر قرار بگیرد: در بلندمدت باید درآمد‌های دولت افزایش پیدا کند و کسری بودجه دولت از بین برود و به یک بودجه متعادل برسیم و در کوتاه‌مدت کسری بودجه فقط و فقط از طریق اوراق تامین بشود.

همچنین اگرچه دوباره موج تشکیل انواع کمیسیون‌ها و کارگروه‌های مانع‌زدایی از تولید مشاهده می‌شود، بی‌ثباتی محیط اقتصاد، مانع جدی برنامه‌ریزی بنگاه‌ها برای توسعه تولید است.

منطق اقتصادی بنگاه، در نظر گرفتن سیگنال قیمت‌ها (تورم) و نرخ ارز (تحریم) برای پوشش هزینه‌های تولید است. کسری بودجه و تأثیر خلق پول پایه و نرخ بلندمدت تعادلی دلار، تغییر چندان در تولید کلان سال ۱۴۰۰ ترسیم نمی‌کند مگر اینکه کسری بودجه رفع، یا از طرق غیر پولی تامین شود و نیز تغییر محسوس و موثری در بخش ارزی کشور رخ دهد، همچنین بخشنامه‌های پی‌درپی روزانه و شبانه متوقف بشود.

حتی بروز همه این اتفاقات دوست‌داشتنی به مفهوم اصلاح سریع شبکه بانکی و مهار خلق نقدینگی و آثار تورمی رفتار پولی و بنگاه‌داری‌شان نیست. به بیان دیگر، یکی از اساسی‌ترین چالش‌های اقتصاد کلان ایران، عملکرد واقعی شبکه بانکی است که امید می‌رود مدیران بعدی جسارت رویارویی با چنین چالشی را داشته باشند. یکی از تصمیمات سخت پیش روی اقتصاد ایران اصلاح نظام بانکی است. کافی است به اینکه حدود ۸۰ درصد تامین مالی در اقتصاد ایران در اختیار شبکه بانکی است، توجه کنیم تا دلیل تردید و ارزش دستان مدیران حتی کارآمد سیاسی برای اصلاح رفتار شبکه بانکی را بفهمیم. تصمیم سخت دیگر، اصلاح نظام مالیاتی است. کافی است به ارقام بیان‌شده مبنی بر فرار مالیاتی ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی،

فرشاد روزبویان

عضو انجمن اقتصاددانان ایران

روابط و نظریه‌های اقتصادی در کنار ابزار محاسباتی اقتصادسنجی، این فایده را دارند که بتوان بر مبنای اطلاعات به برآورد و پیش‌بینی رفتار متغیرهای اقتصادی در آینده پرداخت.

دیوید کولاندر، مولف کتاب «اقتصاد بعد از والراسی‌ها» برای فصل آخر کتابش مقاله‌ای از پیتر هوویت انتخاب کرده است. هوویت با توصیف رفتار مورچگان تأکید می‌کند هرچه در مسیرشان به لانه تغییر ایجاد کنید، باز از راهی دیگر، مسیر خود را پیدا می‌کنند. او می‌گوید: «فکر تکنیدی بانکداران با مطالعه نظریات

این شما هستی که در تلاش برای تحلیل نظری رفتار آن‌ها در عمل هستید».

اگر نقد لوکاس درباره ناکارآمدی سیاستی در کاربردهای اقتصادی نظریه کنترل بهینه و نیز سازگاری زمانی سیاست‌های بهینه را به علاوه ویژگی‌های صرفا ریاضیاتی اقتصادسنجی برای برآورد روابط و متغیرها به این مجموعه اضافه کنیم، به این مفهوم است که باید حداقل برای دوره کوتاه‌مدت از پیش‌بینی مقادیر و ارقام قیمتی و به تعبیری پیش‌گویی در اقتصاد بهره‌یز کرد؛ چرا که ممکن است خود این پیش‌بینی‌ها از یک طرف تحت تأثیر سوگیری علایق باشند، یعنی ناخواسته مواردی را که دوست داریم رخ دهد، پیش‌بینی کنیم یا با تأثیر بر الگوی انتظارات جاری موجب تغییراتی شاید ناخواسته شویم؛ اما این به مفهوم نادیده گرفتن شرایط موجود و لزوم پیش‌بینی احتمالی شرایط پیش رو نیست.

رنج درینه بیش از ۵ دهه اقتصاد ایران از تورم ساختاری، کسری بودجه مزمن، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، بهره‌وری پایین کار و سرمایه، دسترسی کم به سطح فناوری و نیز تجارت پیشرفته اقتصاد جهانی، وابستگی ساختاری به صادرات نفت و تزریق مداوم ویروس تب هلندی به پیکره نحیف اقتصاد، فضای مدیریتی و اقتصادی منتهم به رانت و تبعیض و انحصارات مکمل و سایر مشکلات اقتصادی است. به این شرایط موارد تأثیرگذاری همچون شیوه انتخاب و انتصاب کارشناسان و مدیران، قانون‌گریزی، بی‌توجهی به هزینه‌های گزاف تخریب محیط زیست و منابع و … را اضافه کنید

البته شاید مهم‌تر از همه، نداشتن توافق و قبول یک پارادایم مشخص و الگوی اقتصادی برای برنامه‌ریزی و اداره امور باشد؛ اما این همه داستان نیست. در ادبیات توسعه گفته می‌شود که برای رشد اقتصادی نیازمند افزایش سرمایه‌گذاری هستیم، سرمایه فقط اقتصادی نیست. در جهان امروز فناوری و نیروی کار ماهر و سرمایه مادی و فیزیکی را نیز وارد می‌کنند اما سرمایه اجتماعی یعنی احساس اعتماد عمومی در جامعه و مشارکت و تلاش برای ساختن اقتصاد و جامعه، قابل واردات نیست. اگر برای تضعیف سرمایه اجتماعی و بیاعتمادی مردم به مسئولان اقتصادی، دلیل می‌خواهید، کافی است به قصه بورس در یک سال گذشته توجه کنید. شاید خوشحال باشید ۵۰۰ هزارمینار تومان تامین مالی از بورس شد اما این با مفهوم تامین مالی در اقتصاد متفاوت و نتیجه آن بر اعتماد عمومی به بازار سرمایه قابل مطالعه است

جدیدترین گزارش بانک مرکزی از حساب‌های ملی ایران- البته در تناقض جدی با گزارش مرکز آمار ایران- بیانگر مثبت شدن نرخ رشد اقتصادی کشور در فصل پاییز و ۹ ماهه ۱۳۹۹ بوده است.

اگرچه مثبت شدن نرخ رشد اقتصادی نشانه خروج اقتصاد ایران از رکود است، رشد اقتصادی یا باید در افزایش اشتغال یا در

وزیر راه: ۱/۳ میلیون واحد خالی در انتظار صدور قبض‌های مالیاتی است

صفحه ۴

حتی در بحبوحه مشکلات سال ۹۹ است که به نظر می‌رسد با توجه به اوضاع بارندگی و بازار، چنین وضعی در سال ۱۴۰۰ ادامه یابد و شاید بهبود بیشتر نیز مشاهده شود؛ چرا که کشاورزان به جای رقابت با سبب و انگور و سایر انواع میوه‌های وارداتی در پی توسعه صادرات حتی خیار و محصولات چالیزی و صیفی به منطقه هستند.

اگرچه در سال ۹۹ بیشترین آسیب ناشی از کووید ۱۹ نصیب بخش خدمات و رشد منفی این بخش شد، انتظار می‌رود با حداقل می‌توانیم دعاگوی رفع این بلا تا حداکثر نیمه اول سال و رشد مجدد و محصولات چالیزی و خدمات در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ باشیم.

البته فرصت‌های اختصاص یافته به صنایع بهداشتی و شونیده‌ها ناشی از دوره کرونا و نیاز جدی به این محصولات احتمالا اتمام یافته است و از سوی دیگر، بخش‌های گردشگری و تفریحی و ورزشی دوباره با تقاضای به‌ویژه تجمیع شده، روبه‌رو می‌شوند. البته کرونا با همه آسیب‌های غیر قابل جبرانش ما را به این باور رسانده که می‌توان بسیاری از امور در اقتصاد را به شکل آنلاین و با کاهش چشمگیر هزینه‌ها انجام داد که امید می‌رود پدیده انجام برخط امور تا حد ممکن در سال ۱۴۰۰ ادامه یابد.

همه اتفاقات اساسی بعد از شکل‌گیری کابینه جدید رخ خواهد داد و مولفه‌های اساسی زیر، بر اقتصاد ایران تأثیر می‌گذارد:

• انتخابات ریاست‌جمهوری و نگرش فردی که انتخاب می‌شود.

• نحوه تامین کسری بودجه و چگونگی تغییر نرخ ارز چه در بودجه و چه در واقعیت بازار.

• اوضاع تحریم‌ها و تعامل با اقتصاد جهانی.

• تعیین تکلیف پیوستن به FATF. • کلان‌نگری به نحوه حل معضلات اقتصادی، دارای آثار مثبت یا منفی بر اقتصاد ایران • ادامه غلبه نگرش سیاسی بر مسائل اقتصادی یا اولویت بودن اقتصاد کشور.

• پرهیز از بی‌سلیقهی‌های مدیریتی همچون دیپوی گسترده نهاده‌های تولید در گمرک‌ها یا اقدامات موزاری و متناقض دستگاه‌های موثر همچون وزارتخانه‌های متولی تولید و بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و اجرای دقیق قانون انتزاع از سوی وزارتخانه‌های صمت و کشاورزی و …

هریک از این مولفه‌ها بر مبنای نگرش‌های متفاوت، دارای آثار مثبت یا منفی بر اقتصاد ایران و بازارهاست.

در هر صورت نتیجه کلان تصمیمات اقتصادی بر زندگی و اوضاع کسب‌وکار و رضایت‌مندی مردم و تشکیل سرمایه اجتماعی در کشور تأثیر خواهد گذاشت که به عنوان نمونه می‌توان به گزارش سالانه خوشحالی در جهان که با پرسش از ساکنان ۱۹۹ کشور جهان تدوین شده است و سازمان ملل متحد هم در تهیه آن مشارکت دارد، اشاره کرد. آخرین گزارش حاکی از رتبه ۷۷ کشورمان در این جدول است که اگر در کنار شاخص‌های دیگر همچون خشونت و فقر و فلاکت (نرخ تورم به علاوه نرخ بیکاری) و نیز فرصت کسب‌وکار قرار گیرد، تصویر شفافتاری از آنچه پیش روی ما مشکلات بیشتر مدیریتی مشکلات تنظیم بازار مشهود است اما کلان‌بخش کشاورزی، با این نرخ ارز با موهبت رشد اقتصادی و تولید روبه‌رو شده و با وجود همه مشکلات ساختاری و هزینه‌های افزایشنده نهاده‌های تولید، حداقل بخشی از افزایش قیمت محصولات کشاورزی و باغی نصیب تولیدکننده شده و همین شاید آینده اقتصادی کشور موثر است.